

قدرت رسانه‌ها نگران‌کننده است؟

و نوس بهنود

فوکو می‌گوید قدرت صرفاً بر افراد آزاد یعنی کسانی که در موضع انتخاب قرار دارند اعمال می‌شود، زیرا هدفش نفوذ بر گزینش‌های انسان و شکل دادن به اعمال اوست. به تعبیر این اندیشمند نمی‌توان از قدرت زمانی که حق انتخاب وجود ندارد، سخن راند. رابطه آزادی و قدرت به حدی در هم تنیده است که به موازات هم در جوامع و سایه به سایه یکدیگر حرکت می‌کنند. هر زمان بخشی پرقوت‌تر بوده، بخش دیگر به ضعف گراییده است. چنین زورآزمایی در لایحه‌های پنهان رسانه‌ها نیز دیده می‌شود. رسانه که قرار است سردمدار بازی تبادل اطلاعات در جامعه باشد، در بازی قدرت میان حاکمیت‌ها و کاربران خود به یکی از ارکان قدرت تبدیل شده است. هر چند از آن به عنوان رکن چهارم دموکراسی یاد می‌شود، اما عملاً ورق برگشته و بشر در حال تجربه شکل جدیدی از حکمرانی آن هم توسط رسانه‌هاست.

امروز دیگر امپراتورها و رهبران سیاسی نیز کرنش خود را در مقابل رسانه اعلام می‌کنند و در مقطعی که رسانه از انعکاس خواسته و سیاست‌شان سرباز می‌زند، فریاد اعتراض سر می‌دهند. زمانی با بروز و ظهور اولین ابزارهای رسانه‌ای مانند روزنامه‌ها و کتب، ارتباط کاربر با رسانه یکسویه و کاربر صرفاً مصرف‌کننده بود. بعدها تلویزیون، موبایل و اینترنت این تعامل را دوسویه کرد و این‌بار کاربران خود به حاکمان رسانه تبدیل شده بودند.

هر چه می‌خواستند آزادانه طرح می‌کردند و تازه بعد از انتشار بود که این امکان وجود داشت از صحنه کاربری یک رسانه خاص حذف شوند. آبی که کاربر ریخته بود هیچ رقمه جمع نمی‌شد و می‌توانست با یک تصویر یا متن، حتی موجی از اتفاقات و رویدادها را در منطقه‌ای وسیع یا در مرزهای متعدد رقم‌زده و در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه خود تاثیرگذار باشد. به مرور زمان رسانه‌ها متوجه تهدید قدرت‌نمایی کاربران خود شدند. آن فرزندی که اجازه یافته بود نظر خود را طرح کند، امروز به بالغی غیر قابل مهار تبدیل شده بود و حتی در مقابل والدین خود طغیان می‌کرد. به دیگران آسیب می‌زد و اولییه‌های اخلاق و قانون تعریف شده در جغرافیای زیستی خود را زیر پا می‌گذاشت. این بود که رسانه‌ها که زمانی ابزار

قدرت‌نمایی حکمرانی‌ها و زمانی خود به تنهایی حکمران بودند، متوجه ضعف رفتاری خود و وانهادگی کاربران شدند. در بازی قدرت‌طلبی، به مرور زمان قوانینی به میان آمد که قرار بود بندی بر پای کاربران ببندد و او را مطیع سازد. در ظاهر هیچ محدودیتی برای اعلام نظرات و دیدگاه‌ها وجود نداشت، اما واقعیت این بود که به واسطه تکنولوژی‌های جدید در رسانه‌ها و به ویژه پلتفرم‌ها، کاربران ناخواسته به افراد مطیع تبدیل می‌شدند. از تعداد بازخوانی و تایید مطالب یا اشاره به کلمات و جملات خاص، کاربران آنچه رسانه‌ها می‌خواستند را بازگویی می‌کردند و این داستان همچنان به قوت ادامه دارد. موضوع اهمیت سواد رسانه‌ای هرچند از توانمندی افراد برای رصد صحیح رسانه‌ها برخاست اما در ادامه به يك دغدغه جدی برای بازی رسانه با کاربر تبدیل شده است. اینکه اپ‌ها و پلتفرم‌ها به شما می‌گویند چه بخورید، چه بپوشید، به کجا سفر کنید، با همسر خود چگونه رفتار کنید و مدرک تحصیلی خود را چگونه کسب کنید. چنین زورآزمایی زیرپوستی به ظاهر با دادن آزادی عمل اما در واقع با زندانی کردن کاربر در يك چارچوب مشخص بیانگر بروز و ظهور عصر جدیدی است. اینکه رسانه‌ها امپراتوران جهان هستند و رهبران و مدیران نیز در مقابل آنها زانو بر زمین ساییده‌اند، اما مگر غیر از این بود که رسانه تولید و ساخته دست بشر بود و بشر از طریق این ابزار به دنبال برقراری ارتباط بود؟ رسانه از زمان حک تصویر روی صخره‌ها و داخل غارها وجود داشته و به درازای عمر بشر آن هم به دلیل توانایی انسان به تخیل و صحبت کردن، شکل گرفته است. امروز بشر به مرحله‌ای رسیده که رسانه او را به چالش فراخوانده است. این مخلوق دست بشر، چنان قدرت یافته که امروز مقوله بازیگردانی هوش مصنوعی به يك دغدغه جدی تبدیل شده است. رسانه‌ها با یکدست کردن فرهنگ و تاریخ، فرهنگ و تاریخ خواسته خود را شکل داده‌اند و از بشر می‌خواهند فرزند مطیعی باشد. بازی قدرت ما با رسانه ادامه دارد. سوال این است که تا زمانی که روزه‌ای برای انتخاب بشر وجود دارد، چگونه در مقابل قدرت جدید قد علم کرده و آزادی خود را مطالبه خواهد کرد؟